

محبت پشوانه موفقیت در هدایت انسان در آینه رفتاری

و سیره نبی مکرم اسلام و امامان معصوم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ - تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۰۹)

دکتر حسین جلائی نوبری^۱

چکیده

امتیاز به یادمانی تا ابد اسلام بویژه شیعه در بین سایر مذاهب بر اساس و پایه محبت و به غیر خود، قرار دادن هر حسنی در جایگاه اصلی می باشد. به تعبیر دیگر، نیروی محبت از نظر رفتارهای اجتماعی نیروی عظیم و موثری است که قلب انسان ها را تسخیر نموده و حاکمیت می بخشد. عشق و محبت منحصر به عشق حیوانی نیست بلکه نوع دیگری از عشق و جاذبه هست که درجوی بالاتر قرار دارد و اساسا از محدوده ماده و مادیات بیرون است و از غریزه ای ماورای بقای نسل سرچشمه می گیرد و فصل ممیز انسان و حیوان است و آن، عشق معنوی و انسانی است؛ عشق ورزیدن به فضایل و خوبی ها و شیفستگی به سجاایای انسانی و جمال حقیقت، همان که در آیات بسیاری از آن به واژه محبت و مودت یاد شده است. «والذین اشد حبا لله» بشر به اکسیر محبت پاکان و نیکان سخت نیازمند است. زیرا عشق پاکان وسیله اصلاح و تهذیب نفس است. و اگر در این راستا به بندگان خدا نیز که سفارش خداست محبت شود. قطعاً اثرات اجتماعی بیشتر را مشاهده می کنیم که زندگانی معصومین آن را به نمایش گذاشته است. این مقاله به روش کتابخانه ای و توصیفی در صدد ترسیم بعضی از رفتار بزرگان دین که الگوی ما هستند می پردازد.

واژگان کلیدی: محبت، مهربانی، همسر، کودک، یتیم

^۱. دانشیار و هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز- ایران، عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور ۰۹۱۴۱۱۳۰۵۷۷ nobarih@tbzmed.ac.ir

مقدمه

همان گونه که جسم انسان به غذا و لباس و مسکن نیاز دارد به تعلیم و تربیت و اخلاق نیز نیازمند است و انسانی که به مکارم اخلاقی متصف نشود مرده ای بین زنده گان خواهد بود. و در مسیر تکامل انسان، داشتن مربی و راهنمای آگاه، صادق و دل سوز، شرطی لازم و اساسی است. و کسی که بخواهد راهنمای دیگران باشد باید خود راه یافته واقعی و با صداقت و دل سوزی بیشتری و تنها با در نظر بادر نظر گرفتن مصالح واقعی رهرو، او را در نیل به کمال حقیقی هدایت و دست گیری کند، باشد.

پیامبر اسلام در مقام رهبری الهی در بین امت اسلام و انجام رسالت الهی خود، با اقوام و افرادی از هر طبقه ای مراوده داشت. آنچه بیشتر عامل جلب و جذب آن ها به خود خدا می شد، سازندگی آن حضرت بود. سخنان آن حضرت در مقام بیان کیفیت بر خورد و معاشرت با مردم بسیار است، اما آنچه بیستر انسان را به عظمت مقام معنوی آن حضرت رهنمون می نمود، اخلاق و رفتار زیبا و دلپسند ایشان بود. رفتاری که از منبع خروشان وحی و رحمت خدا سر چشمه گرفته بود و تا عمق جان انسانها تاثیر می کرد. رفتاری که از اصول آموزه های الهی بوده و می توان به ایجاد و احیاء ارزشها، در جامعه عرب قبل از اسلام که دچار تعصب های بی جای قومی و افکار جاهلی بود، نمود. البته این ویژگی ها اختصاص به زمان خاص نداشته و ندارد، چرا که در هر زمان فقر فرهنگی با وجود پیشرفت های مادی (مثل عصر حاضر) بیشتر به چشم می خورد، و این وجود مقدس در هر مقطع زمانی برنامه ای را به وسیله ثقل اصغر در کنار ثقل اکبر برای انسان ها ارائه نموده است تا بشریت را از جهالت مدرنیت نجات بخشد. که در قالب مهر و محبت به هم نوعان ترسیم فرموده است و در مقاله به گوشه ای از آن اشاره می شود.

• تربیت اخلاق فردی

تأثیری که افراد، از الگوها، سرمشق ها قهرمان ها و چهره های برجسته می پذیرند، بسیار است. که به نمونه های رفتار فردی پیامبر اسلام (ص) اشاره می کنیم.

رحمت و محبت و مهر ورزی از اصول اخلاقی رسول خدا (ص) بود که در برخوردهای اجتماعی آن حضرت دیده می شد. و از نمونه ها دایره رحم و عطوفت قدری گسترده تر بود، که شامل همگان می شد. از بزرگترین یاران و کودکان و خانواده و گناهکاران و گمراهان و اسیران جنگی از

مهر و عطوفت ایشان بهره مند بودند.

• محبت در لغت

واژه محبت با مشتقات آن ۹۴ بار به کار رفته است.

اهل لغت برای واژه محبت (مأخوذ از ماده «حب») ریشه‌های معنایی مختلفی بیان داشته‌اند که با بررسی آن‌ها، به نتایج زیبا و قابل توجهی می‌رسیم. بعضی محبت را برگرفته از دو عبارت «حبه القلب» (سودای قلب) و «حَبَّه» (دانه و بذر) می‌دانند و «حَب» و «حَبَّه» را در مورد گندم، جو و مانند آن و «حَبَّ» «حَبَّه» در مورد بذر گل‌ها به کار برده برده‌اند. پس «حَبَّتْ فلاناً» یعنی به اصل و مبنا و سودای قلب او دست یافتم و «حَبَّه القلب» را تشبیهی برای شباهت قلب به دانه و بذر می‌باشد.^۱ همان‌طور که عرب به صفای سفیدی چشم انسان حَبَّة الانسان می‌گوید به صفای سودای دل حَبَّة القلب می‌گوید. پس یکی متعلق به محل محبت است و دیگری محل رؤیت و به همین دلیل دل و دیده در دوستی مقارن یکدیگر هستند. از آنجاکه محبت (میل النفس الى الشیء الموافق)^۲ یک نوع کشش و جاذبه‌ای است که باید مطابق نفس انسان باشد، بعضی اصل بخشش را در محبت^۳ مندرج می‌دانند.

حُب به معنای دوست داشتن و وداد است و مخالف و نقیض بغض^۴.

حب در لغت، مصدر فعل «حب یحب» است که از جمله به معنای لزوم و ثبات و نیز دوستی و کشش نفس به سوی چیزی خواستنی است و این معنی از همان لزوم و ثبات اخذ شده است.^۵

• محبت در اصطلاح

حب در اصطلاح، گرایش به سوی چیزی لذت بخش و سازگار با طبع و وابستگی خاص میان انسان و کمال اوست که اگر شدت یابد باید عشق نامیده شود.^۶ در واقع محبت در اصطلاح چیزی غیر از تعریف لغوی آن نیست اما تعابیر علما و بزرگان در

^۱. راغب، مفردات، ص ۱۰۵.

^۲. قرشی، قاموس قران، ج ۲، ص ۹۲.

^۳. ابن فارس، مقاییس اللغة، ذیل ماده حب.

^۴. ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده حب.

^۵. طریحی، مجمع البحرین، ذیل حب و حب؛ راغب، ص ۱۰۵؛ زبیدی، تاج العروس، ذیل حب.

^۶. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۳۱۴.

علوم مختلف متفاوت است. با توجه به نظرات و عبارات و دیدگاه هایی که در این مورد ابراز شده، ارائه گفتاری مدوّن کاری دشوار می باشد. به طوری که عارفان دیدگاه خاص خود را از محبت دارند و عالمان اخلاق تعریفی دیگر، و مفسران نیز تصویر دیگری از محبت ارائه داده اند و فلاسفه تعریف خاص خود را دارند.

علامه طباطبائی محبت را این گونه تعریف نموده است: «حب ارتباطی است بین محب و محبوب»^۱. ایشان محبت را رابطه دوسویه بین خداوند و انسان یعنی محب و محبوب ذکر کرده اند. و محبت به هر شیء را، همان میل به طرف وی دانسته و اصل محبت را یک جاذبه عمومی دانسته که تمام ذرات موجودات را به هم متصل و مرتبط می کند و مجذوب هم می گرداند. در یک جمع بندی کلی می توان گفت: «محبت یک میل، کشش و رابطه ی دوسویه میان محب و محبوب (خداوند و انسان) است که مطابق و ملایم با طبیعت دو طرف است که با رسیدن به آن به ابتهاج و سرور دست خواهند یافت». و اگر این محبت بادر نظر گرفتن رضای خدا بین دو انسان صورت گیرد همان نتیجه حاصل خواهد شد.

• محبت از منظر اسلام

اسلام محبت را از دو منظر دیده است.

بعد انسانی و فطری

اسلام به همه انسانها به چشم هم نوع به یکدیگر می نگرند آن گونه که کرامت انسانی را مدنظر قرار دهند. و در رفع حوائج هم تلاش کنند و از هم حمایت کنند و در گرفتاریها به یاری هم بشتابند و انسان بودن را محترم بشمارند و بایستی نسبت به انسانهای دیگر احساس نزدیکی و دوستی کنند. در حدیثی آمده که امام صادق (ع) در پاسخ به سؤالی در مورد دوستی و محبت فرموده: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ»^۲ آیا دین جز دوستی و محبت است؟ احادیث زیادی در خصوص رعایت حقوق مؤمنین و مسلمین از حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) وارد شده است که از مجموع آنها این گونه استفاده می شود که اسلام بر مسأله دوستی و محبت که باعث ربط آدمیان به همدیگر و ایجاد نوعی احساس متقابل در میان آنان می گردد پافشاری می کند و این درجه از

۱. طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۰.

دوستی و پیوند درونی را یکی از جلوه های ایمان می شمارد رسول اکرم (ص) می فرماید: «ایمان کسی کامل نیست مگر آن که هر چیزی را که برای خود می پسند برای دیگران نیز پسندد و آن چه را برای خود زشت می شمارد برای آنان زشت بداند» بر این اساس نگاه بی روح و بی عاطفه به دیگران و مشکلاتی که در زندگی، با آنها دست و پنجه نرم می کنند نگاهی مؤمنانه نیست. حدیث معروف دیگری نیز هست که به روشنی گویای این دیدگاه بلند اسلام است پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۱ هر کس در اندیشه امور دیگر مسلمانان نباشد مسلمان واقعی نیست.

بعد جنسی و غریزی

بعد دیگر جنبه غریزی است که کسی، دیگری را تا سر حد طبیعی ترین نیازهایش از قبیل خوردن و آشامیدن دوست ندارد و به او تعلق خاطر بسپارد، در این جنبه محبت و دوستی خود به خود جنبه جنسی گره می خورد. این نوع دوستی را در فضای ذهن بسیاری از جوانان و نوجوانان و حتی برخی از بزرگسالان نیز می توان دید در این فضا است که در حقیقت افراد مجذوب زیبایی ظاهر و دیگر مسائل برانگیزاننده جنسی قرار دارند و آن چه بیش از همه اهمیت می یابد همین طرق قضیه است.

در نگاه اسلام این گونه محبت ورزیدن و عشق تنها در صورتی که مقدمه ای برای ازدواج باشد پذیرفتنی و مقبول است.

محبت در قرآن

واژه «محبت» در قرآن کریم تنها یک بار آمده است: «وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي»^۲؛ و من محبتی از خودم بر تو افکندم» اما مشتقات آن ۹۴ بار به کار رفته است.

در قرآن از محبت و دوستی این چنین یاد می کند: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۳ امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که [ایشان را] دشمن داشتید، دوستی برقرار کند، و خدا تواناست، و خدا آمرزنده مهربان است.

^۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

^۲. طه، ۳۹.

^۳. ممتحنه، ۷.

• مهربانی در اصطلاح فارسی

مهربانی به مجموعه اعمال و رفتاری گفته می شود که حاکی از ایثار، مدارا، قدرشناسی و احترام به دیگران است. مهربانی در بسیاری از فرهنگها و ادیان، ارزش به شمار می آید. حضرت علی (ع) می فرماید: « قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحْشِيَّةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ ^۱ » دل های انسان ها بیگانه و نا مأنوس است و هر کس از راه مهرورزی و محبت وارد شود، با آن الفت می گیرد.

مهر و محبت از آموزه های اخلاقی مکتب اسلام است که به این وسیله ارتباطات را صمیمی کرده و قلب هار به همدیگر نزدیک و کینه هارا از بین برده و شادابی و دگر خواهی را جایگزین می کند. نبی مکرم اسلام (ص) به عنوان کامل ترین اسوه راستین بشریت، نسبت به تمام مردم بسیار صمیمی و مهربان بود. آن بزرگوار با داشتن این خصلت ستودنی توانست در طول ۲۳ سال دل های بسیاری را شیفته مکتب خویش کند و از منجلاب ضلالت به صراط مستقیم هدایت نماید. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: « وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ^۲ » ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. و پیامبر اعظم (ص) فرمود: « لَوْ كَانَ الرِّفْقُ خَلْقًا لَيُرَى مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْهُ ^۳ » اگر مهربانی و ملاطفت به صورتی مجسم شود، آن چنان زیباست که خداوند مخلوقی زیباتر از آن را نیافریده است.

ابراز محبت و مهرورزی رسول خدا (ص) نه تنها شامل خانواده، دوستان و اهل ایمان می شد، بلکه مخالفین، از اخلاق نرم و شفقت آمیز آن بزرگوار بهره مند می شدند. به همین جهت خداوند متعال رسول گرامی اش را در قرآن تحسین نموده و می فرماید: « أَنْكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ ^۴ » یقیناً تو دارای اخلاق عظیم و نیکو هستی.

• مهرورزی، رمز موفقیت

محبت و ملاطفت آن حضرت بود که دشمنان کینه توز را به دوستان صمیمی تبدیل کرد. در حدیثی از حضرت امام حسین (ع) به نقل از پدر بزرگوارش حضرت علی (ع) چنین آمده است که:

^۱. نهج البلاغه، ح ۵۰.

^۲. انبیاء، ۱۰۷.

^۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۲۰.

^۴. قلم، ۴.

«كان رسول الله (ص) دائِمَ البِشْرِ، سَهْلَ الخُلُقِ، لَيِّنَ الجانبِ، ليس بفظٍّ ولا غليظٍّ، ولا صخابٍ ولا فحاشٍ، ولا عيَابٍ ولا مداحٍ، يتَغافلُ عَمَّا لا يَشْتَهِي، فلا يُؤَيِّسُ مِنْهُ ولا يُخَيِّبُ فِيهِ مُؤَمِّلِيهِ، قَدْ تَرَكَ نَفْسَهُ مِنْ ثَلَاثٍ: الْمِرَاءِ وَالْأَكْثَارِ وَمِمَّا لَا يَغْنِيهِ، وَتَرَكَ النَّاسَ مِنْ ثَلَاثٍ: كَانَ لَا يَذُمُّ أَحَدًا وَلَا يُعَيِّرُهُ، وَلَا يَطْلُبُ عَوْرَتَهُ» پیامبر (ص) در برخورد با دیگران همیشه مهربان، خوشرو و خندان بود و هرگز بی رحم، پرخاشگر و اهل تملق نبود. هیچ کس از او مأیوس نمی شد و هر کس به در خانه او می آمد، نومید باز نمی گشت. هرگاه فرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می گفت و درخواستی داشت، تحمل می کرد و به یارانش می فرمود: اگر کسی را دیدید که حاجتی دارد، به او عطا کنید و هرگز کلام کسی را قطع نمی کرد تا سخنش پایان گیرد.

پیامبر اعظم (ص) می فرماید: «لَوْ كَانَ الرَّقِيقُ خَلْقًا، لَمَا رَأَى النَّاسُ خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْهُ»^۱ اگر مهربانی و ملاطفت به صورتی مجسم شود، آن چنان زیباست که خداوند مخلوقی زیباتر از آن را نیافریده است. پیامبر (ص) فرموده است: «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ»^۲ خداوند مهربان به مهربانان مهربانی می کند، به کسانی که در زمین هستند مهربانی کنید تا آنکه در آسمان است به شما مهربانی کند.

• مهربانی و اکرام به بیچاره گان

«یتیم» از ریشه «یتم» است و به معنای فقدان پدر می باشد.^۳ و به چهارپایان نیز در صورت فقدان مادر اطلاق می شود. [مقیس اللغة] راغب «یتم» را انقطاع فرزند از پدر قبل از بلوغ می داند.^۴ و جمع آن یتامی و ایتام می باشد. از امام کاظم (ع) سوال شد که چه زمانی «یتم» قطع می شود؟ حضرت پاسخ دادند وقتی فرزند به سن بلوغ می رسد و اخذ و عطا را تشخیص می دهد.^۵

در معنای واژه «یتیم» در معاجم گوناگون اختلافی وجود ندارد و کسی را که پدرش را از دست

^۱. صدوق، معانی الاخبار، ص ۸۳.

^۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۲۰.

^۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۵۹۶۹.

^۴. خلیل بن احمد، العین، ج ۲، ص ۱۴۲.

^۵. راغب، مفردات، ذیل یتیم، ص ۵۵۰.

^۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴.

داده باشد، یتیم می‌گویند و پس از بلوغ این اسم از او برداشته شود.^۱ هر چند برخی فاقد مادر را نیز اطلاق می‌کنند، البته یتیم از لحاظ مفهومی واژه روشنی است ولی از حیث احکام، دارای دقت‌های ویژه‌ای است که در آیات قرآن به برخی از آنها به صورت صریح و یا غیر مستقیم اشاره شده است که در ضمن تحقیق بررسی خواهد شد.

قرآن کریم با تعبیرات گیرا و گویا، مسئولیت مردم و دولت اسلامی را درباره‌ی ایتام برشمرده است. این کتاب مقدس و آسمانی با برترین شیوه از ایتام تجلیل و بر رسیدگی به امور مادی و معنوی، فردی و اجتماعی آنان تأکید می‌کند. همچنین کوتاهی در سرپرستی آنها را توبیخ کرده، سبب کیفر دنیوی و اخروی می‌داند.

قرآن مجید در آیات مختلف، نیکی و رسیدگی به امور مادی و معنوی افراد یتیم را پس از احسان به والدین و نزدیکان قرار داده و این نیکی را یکی از زمینه‌های سازندگی اخلاق و مبارزه با بخل، غرور و مفاسد اخلاقی معرفی کرده است. (نساء، ۳۶-۳۷) همچنین پذیرایی از آنان را یک ارزش و معیار برای انسان تکامل یافته و نیکوکار معرفی کرده (بلد، ۱۵) و ضمن تأکید بر حفظ مال یتیم (نساء، ۱۰ و اسراء، ۳۴)

چگونگی تصرف و مصرف کردن اموال وی (نساء، ۶) را با رعایت قسط و عدل (نساء، ۱۲۷) متذکر شده است. این کتاب الهی، جفا در حق یتیمان را از نشانه‌های تکذیب دین و قیامت اعلام کرده است. (ماعون، ۲) همچنین از بدرفتاری با آنان به شدت نهی می‌فرماید (فجر، ۱۷) و غیر از آنکه بر دقت در حفظ دارایی آنان سفارش کرده، از تبدیل و مخلوط کردن اموالشان نهی می‌فرماید؛ حتی زمان سپردن اموالشان را به آنان مشخص می‌سازد. (همان، ۶) افزون بر آن در بیت المال و اموال مردم نیز حق و سهمیه‌ای را برای ایتام نیازمند، مقرر، و دولت اسلامی را موظف کرده است تا نیازهای آنان را برآورده سازد. (انفال، ۴۱ و حشر، ۷)

و در روایات نیز معارف و رهنمودهای فراوانی در این زمینه آمده است که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

پیامبر اکرم (ص) به بر عهده گرفتن سرپرستی یتیم تشویق نموده است، آن حضرت با اشاره دو

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۶۴۵.

انگشت سبابه و میانه که قدری میان آنها فاصله انداخته بود، فرمود: «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ كَهَاتَيْنِ وَأَشَارَ بِصَبْعَيْهِ السَّبَابَةِ وَالْوُسْطَىٰ»^۱ من و سرپرست یتیم در بهشت، اینگونه خواهیم بود.

- پیامبر خدا (ص) فرمود: ثَلَاثَةٌ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: وَ أَصِلُ الرَّحِمَ يَزِيدُ اللَّهَ فِي رِزْقِهِ وَيَمُدُّ فِي أَجَلِهِ وَ امْرَأَةٌ مَاتَ زَوْجُهَا وَ تَرَكَ عَلَيْهَا أَيْتَامًا صِغَارًا وَ قَالَتْ: لَا أَتَزَوَّجُ عَلَى أَيْتَامِي حَتَّى يَمُوتُوا أَوْ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ وَ عَبْدٌ صَنَعَ طَعَامًا فَأَصَافَ ضَيْفَهُ وَ أَحْسَنَ نَفَقَتَهُ فَدَعَا عَلَيْهِ الْيَتِيمُ وَ الْمُسْكِينُ فَأُطْعِمَهُمُ لَوْ جِهَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ^۲ سه کس روز رستاخیز هنگامی که سایه‌ای جز سایه عرش نیست در سایه آن جای دارند، کسی که با خویشان نیکی کند خداوند روزی او را زیاد و عمرش را دراز کند و زنی که شوهرش بمیرد و اطفال صغیری باقی گذارد و وی گوید من باوجود یتیمان خود شوهر نمی‌کنم تا بمیرند یا خداوند آن‌ها را بی‌نیاز کند و کسی که غذائی فراهم آورد و به مهمان خود بخوراند و پذیرائی او را کامل کند سپس یتیم و فقیر را بر آن دعوت کند و آن‌ها را برای رضای خدا غذا دهد.

- پیامبر اسلام (ص) کسی را که به امور بیوه‌زنان و فقرا رسیدگی کند همچون مجاهد در راه خدا و مانند کسی که روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها عبادت می‌کند قرار داده است.^۳

- پیامبر خدا (ص) مهربانی به ضعیفان و دادن حقوقشان را سبب رزق و پیروزی بر دشمن قرار داده و فرموده‌اند: «ابْغُونِي الضُّعَفَاءَ، فَإِنَّمَا تُنْصَرُونَ وَ تُرْزَقُونَ، بِضُعَفَائِكُمْ»^۴ همانا شما به سبب ضعیفانتان یاری می‌شوید و رزق داده می‌شوید.

- نبی مکرم اسلام فرمود: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يُقَالُ لَهَا دَارُ الْفَرَحِ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَحَ يَتَامَى الْمُؤْمِنِينَ^۵ در بهشت خانه‌ای هست که آن را شادی سرا گویند و جز آنان که یتیمان مؤمنان را شاد کرده‌اند وارد آن نمی‌شوند.

- کودک یتیمی به حضور رسول خدا (ص) آمد و چنین عرض کرد پدرم ازدنیارفته، مادرم، بینوا

^۱ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۷۴.

^۲ پابنده، نهج الفصاحه، ص ۴۲۰، ح ۱۲۲۰.

^۳ بخاری، صحیح، ح ۵۶۶۱.

^۴ همان، ۲۵۹۴.

^۵ پابنده، نهج الفصاحه، ۳۲۹، ح ۸۶۴.

وبی بضاعت است، خواهرم، شوهر و سرپرست ندارد، از چیزهایی که خدا به تو عنایت فرموده به من اطعام کن، تا خداوند بخشنود گردد.

پیامبر (ص) تحت تاثیر قرار گرفت به او فرمود چقدر نیکو سخن می گوئی؟

سپس به بلال حبشی فرمود با شتاب به حجره های همسران من برو، وجستجو کن، اگر چیزی از اطعام هست بیاور.

بلال رفت و به جستجو پرداخت و مثنی خرما یافت و به حضور پیامبر ص آورد.

پیامبر مهربان اسلام ص خرماها را به سه قسمت کرد، هفت عدد آن را به آن کودک یتیم داد، و فرمود بقیه را بگیر، هفت عدد آن را به مادرت بده و هفت عدد دیگر را به خواهرت بده.

کودک یتیم در حالی که خوشحال بود از نزد رسول خدا ص رفت، در این هنگام، معاذ یکی از اصحاب برخاست و دست نوازش بر سر آن کودک یتیم کشید و با گفتاری مهربانگیز، کودک را تسلی خاطر داد.

پیامبر (ص) به معاذ فرمود: ای معاذ! تو این کار تو را دیدم، همینقدر بدان، «مَنْ مَسَحَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ يَتِيمٍ تَرَحُّمًا لَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»^۱ هر کس سر پرستی یتیمی کند، و دست نوازش بر سر او بکشد، خداوند بهر موئی که از زیر دستش می گذرد، حسنه و پاداش خوبی به او می دهد، و گناهی از گناهان او را محو می کند، و بر درجه و مقام معنوی او می افزاید.

- قال عبدالله بن جعفر: أَنَا أَحْفَظُ حِينَ دَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى أُمِّي فَتَنَعَى إِلَيْهَا أَبِي فَأَنْظَرُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَمْسَحُ عَلَى رَأْسِي وَرَأْسِ أَخِي وَعَيْنَاهُ تُهَرَّاقَانِ بِالْدَمْعِ حَتَّى قَطَرَتْ لِحْيَتَهُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ جَعْفَرَ قَدِمَ إِلَيَّ أَحْسَنَ الثَّوَابِ فَأَخْلَفُهُ فِي ذُرِّيَّتِهِ بِأَحْسَنِ مَا خَلَقْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ فِي ذُرِّيَّتِهِ بِأَحْسَنِ مَا خَلَقْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، ثُمَّ قَالَ (ص): يَا أَسْمَاءُ أَلَا أَبْشُرُكَ؟!.. قَالَتْ: بَلَى يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي!.. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لَجَعْفَرٍ جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ^۲ عبدالله بن جعفر می گوید: به یاد دارم هنگامی که رسول خدا (ص) بر مادرم وارد شد تا خبر شهادت پدرم را به وی بدهد در حالی که به او می نگریستم او بر سر من و برادرم دست می کشید و اشک ها به گونه ای از چشمانش جاری بود که از محاسنش می چکید. سپس گفت: خدایا! جعفر به پاداشی

^۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۱۶.

^۲. جوادی، مفاتیح الحیات، ص ۴۰۳.

نیکو رسیده است. تو در میان فرزندان جانشین او باش؛ نیکوتر از جانشینی تو در میان فرزندان هر یک از بندگانت. سپس فرمود: ای اسماء! آیا به تو بشارت ندهم؟ گفت: آری، پدر و مادرم فدایت. فرمود: خدای عزیز برای جعفر دو بال قرار داد تا با آنها، در بهشت پرواز کند.

• محبت به همسر

شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود. خانواده بر پایه یک عشق خالص و محبت عمیق استوار باشد و هر یک از زن و شوهر همسر خود را عامل سعادت خود بداند بر عکس به چشم رقیب و عامل سلب آزادی و محدودیت ببیند و چنانکه اصطلاح شده است یکدیگر را زندانبان بنامند. اسلام ایجاد پاکترین و صمیمی ترین عواطف را بین زوجین و برقرار ساختن یگانگی و اتحاد در کانون خانواده می داند.

مهر و محبت زوجین به یکدیگر یک نیاز روحی است که در صورت برآورده شدن این نیاز زندگی شیرین می گردد و زوجین باید سعی کنند، از نظر دوستی نیز یکدیگر را بی نیاز کنند، اگر پای محبت در میان آمد،

فضای محبت و عالم دوستی و شور و هیجان محبت، عالم دیگری دارد با آثار و روشهای مخصوص بخود. خلاصه آنکه در فضای محبت معادلات و معیارها بطور کلی دگرگون می شود، و انسان به جهت ساختمان روحی خود مثل یک ماهی می ماند که در فضای محبت، نشاط می یابد و رشد می کند، خطاها، سختی ها، کمبودها، مرضها، همه و همه جلوه دیگری دارند، تو گوئی اکسیری است که اگر به سخت ترین مشکلات زده شود آن را راحت و زیبا می کند. افسوس که قدر این گوهر و ارتباط و تاءثیر آن در زندگی خانوادگی و اجتماعی ناشناخته است. انسان تشنه محبت است، اگر آب زلال محبتی از کسی یافت با تمام وجود به او علاقه مند می شود و انس می گیرد و گرنه بناچار وقتی آب زلال و شیرین نبود به آب شور هم بسنده می کند. برای همسران آب شیرین، و گوارائی باشید در محبت، و غذای لذیذ و خوشمزه ای از محبت تدارک ببینید که مشتاقانه بسوی خانه آید، نه آب شور و دواى تلخی که بناچار باید خورد و تحمل کرد.

هر کس زنش را دوست دارد و این دوستی را بر او اعلام نماید و بگوید: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي

أَحْبُكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا^۱ پیامبر خدا (ص) فرمود: این که مرد به همسرش بگوید: من تو را دوست دارم هیچ گاه از قلب همسرش بیرون نخواهد رفت. (در نتیجه این کار سبب می شود که زنش هم او را دوست داشته و زندگی خوبی داشته باشند.

سیره حضرت امام خمینی (ره) در رفتار با همسرشان

نقل از خانم فریده مصطفوی (دختر امام): «برخورد حضرت امام با همسرشان در عین صمیمیت و محبت و بسیار محترمانه بود، در تمام مسائل شخصی و خانوادگی نظر خانم محترم بود و هیچ گاه دخالتی در امور داخلی منزل نداشتند.... حضرت امام در زندگی هیچ گونه سختگیری نمی کردند و خانم در رفت و آمدها و لباس پوشیدن آزاد بودند و فقط مقید بودند معصیت نکنند. ایشان آن قدر در خانه نسبت به خانم احترام قائل بودند که ما فرزندان هم تحت تاثیر تقید ایشان قرار گرفته بودیم..... حضرت امام همان اوایل ازدواج به خانم فرموده بودند: من از تو می خواهم که واجبات را انجام دهی و سعی کنی که محرمات را انجام ندهی ولی در مورد عرفیات مسئله ای نیست و آزاد هستی».

«در یک زمان که همسر آقا مسافرت رفته بودند آقا خیلی دلتنگی می کردند، وقتی آقا اخم می کردند ما به شوخی می گفتیم «اگر خانم باشند آقا می خندند، وقتی خانم نباشند آقا ناراحتند و اخم می کنند» خلاصه ما هر چه سر به سر آقا گذاشتیم اخم آقا باز نشد. بالاخره من گفتم: خوشا به حال خانم که شما این قدر دوستش دارید. ایشان گفتند: خوش به حال من که چنین همسری دارم. فداکاری که خانم در زندگی کرده اند هیچ کس نکرده است شما هم اگر مثل خانم باشید، همسران شما را این قدر دوست خواهد داشت^۲».

• رافت به کودکان

یکی از عادات اعراب دوره جاهلیت این بود که رفتار دوستانه و محبت آمیز با کودکان را نوعی ضعف تلقی می کردند. با کودکان بگونه ای رفتار می شد که شایسته یک انسان نبود. نگرش اعراب بت پرست نسبت به کودکان بخصوص دختران بسیار خشن و دور از ترحم بود.

امام صادق (ع) فرمود: موسی بن عمران (ع) به محضر پروردگار عرضه داشت: بهترین اعمال در

^۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

^۲. ستوده، پایه پای آفتاب، ج ۱، ص ۹۶.

نزد تو چیست؟ خطاب آمد: «حُبُّ الْأَطْفَالِ فَإِنَّ فِطْرَتَهُمْ عَلَى تَوْحِيدٍ»^۱؛ دوست داشتن کودکان؛ همانا نهادشان از یگانگی من لبریز است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ»^۲ فرزند شایسته گلی از گلهای بهشت است.

پیامبر اکرم (ص) فرزندان را گل های خوشبوی خداوندی و میوه دل والدین بر می شمرد^۳. و به محبت و عدالت نسبت به ایشان فرمان می داد: با فرزندان با محبت و عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید با شما با محبت و عدالت رفتار شود^۴.

سیره پیامبر اعظم (ص) بطلان و ظالمانه بودن این ذهنیت را خاطر نشان می کند و مهرورزی و مهریانی والدین را نسبت به فرزندان مورد تأیید قرار می دهد.

زمانی که رسول خدا (ص) کودکان را می دید بر سر آنان دست می کشید و به آنان سلام می کرد و می فرمود: پس از من باید این امر به سنتی در جامعه تبدیل شود^۵. کودکانی که نزدیک پیامبر زندگی می کردند، وقتی آن حضرت را در کوچه و خیابان می دیدند و شاهد اظهار محبت ایشان بودند، از پیامبر (ص) تصویری به عنوان معلم دوست داشتنی و صمیمی در خاطر داشتند.

مردی بادیه نشین نزد نبی اکرم (ص) آمد و گفت: ما کودکان را نمی بوسیم. آیا شما می بوسید؟. پیامبر خدا (ص) فرمود: «أَوْ أَمْلِكُ لَكَ أَنْ نَزَعَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ»^۶ اگر خداوند، رحمت را از قلبت بیرون آورده است، من نمی توانم برایت کاری انجام دهم.

رسول خدا (ص) فرمود: «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً، وَ مَنْ فَرَحَهُ فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَبْوَيْنِ فَيُكْسِيَانِ خُلَّتَيْنِ يُضَيُّهُنِ نُورُهُمَا وَجْهَ أَهْلِ الْجَنَّةِ»^۷ هر که فرزند خود را ببوسد، خداوند عز و جل برای او یک ثواب می نویسد و هر که فرزندش را شاد

^۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۶۴؛ برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۳.

^۲. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳.

^۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۷.

^۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲.

^۵. همان، ج ۱۶، ص ۲۱۵.

^۶. بخاری، صحیح، بخاری، ح ۹۹۹۸.

^۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۹.

کند، خداوند در روز قیامت او را شاد می‌سازد و هر که به او قرآن بیاموزد [در روز قیامت] پدر و مادرش فرا خوانده می‌شوند و دو جامه بر آنان پوشانده می‌شود که از درخشش آن صورت بهشتیان می‌درخشد.

پیامبر خدا یکی از فرزندانش را می‌بوسید و به او محبت می‌کرد. مردی از اشراف به خدمت حضرت رسید و با دیدن آن صحنه عرض کرد: «من ده پسر دارم و تا به حال هیچ کدامشان را برای یک بار هم نبوسیده‌ام». پیامبر از این سخن چنان ناراحت شد که رنگ صورتش برافروخته و سرخ گردید. آن گاه فرمود: کسی که به دیگران رحم نکند، خدا نیز به او رحم نخواهد کرد. پیامبر (ص) فرمود: «إِنَّهُ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ^۱» کسی که مهربانی نکند به او (از جانب خداوند) مهربانی نمی‌شود.

یک مرتبه پیامبر اسلام (ص) در حالی که نوه‌اش امامه دختر زینب را نگهداشته بود نماز می‌خواند، هرگاه به سجده می‌رفت او را بر زمین می‌گذاشت و چون برمی‌خاست او را برمی‌داشت.^۲

اگر به نماز مشغول می‌شد و صدای گریه‌ی کودکی را می‌شنید، نماز را مختصر و سریع‌تر می‌خواند. ابوقتاده می‌گوید: رسول‌الله (ص) فرمودند: «اما سمعتم صراخ الصَّبِيِّ إِنِّي لَأَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَطُولَ فِيهَا، فَاسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ، فَاتَجَوَّزْ كَرَاهِيَةً أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمِّهِ^۳» گاهی که به نماز می‌ایستم، دوست دارم آنرا طولانی بخوانم. در آن اثنا، صدای گریه کودکی به گوشم می‌رسد. پس نماز را مختصر می‌خوانم تا باعث آزار مادرش نشوم. معلوم شد در نزدیکی محل اقامه نماز نوزادی گریه می‌کرده و کسی نبوده تا با نوازش او را آرام کند. مهر و محبت پیامبر (ص) موجب شد تا نمازش را کوتاه کند و آن کودک را مورد لطف و نوازش قرار دهد.

مهرورزی آن حضرت به فرزند خردسالش امام حسین (ع) که: روزی پیامبر در مسجد مشغول خواندن نماز بود. ناگهان امام حسین (ع) به سوی محراب دوید و به هنگام سجده پیامبر بر پشت آن حضرت سوار شد. هنگامی که پیامبر (ص) سر از سجده برداشت، حسین (ع) را با دست‌هایش

^۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۳۸۴.

^۲. بخاری، صحیح، ح ۵۹۹۸.

^۳. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۳۸۴.

می گرفت و در کنار خود بر زمین می نهاد. وقتی که به سجده دوم رفت باز حسین (ع) بر پشت آن حضرت سوار شد. این صحنه چندین بار تکرار شد تا پیامبر از نماز فارغ گردید. یک نفر یهودی از دور این منظره را دید. نزدیک آمد و به پیامبر عرض کرد: شما با فرزندان خود بگونه‌ای رفتار می کنید که در میان ما چنین رفتاری نیست! پیامبر به او فرمود: اگر شما به خدا و رسولش ایمان بیاورید، به کودکان مهر و محبت می ورزید. همین صحنه و گفتار موجب شد که آن یهودی مسلمان شود.^۱

• زن در اسلام

در محیطی که در همه نظام‌ها و آیین‌ها، زن از هر سو مورد ستم قرار می گرفت و به حقوق مسلم وی تجاوز می شد. با ظهور اسلام، تمام سنت‌های غلط، باطل اعلان شده و زن از قید و بندهای جاهلیت آزاد شده بود. در اسلام، زن مظهر صفا و صداقت، منبع ایثار و کرامت و کانون عاطفه، مهربانی و مایه آرامش است. غالب مردهای موفق در دامن مادران پرورش یافته و در کنار همسران باشرف خویش به قله‌های رفیع علم و دین صعود کرده‌اند و همه کامیابی‌هایشان را مدیون فداکاری مادران و همسران خویشند. از این رو اسلام آداب و رسوم جاهلی را مورد انتقاد قرار داده و زنده به گور کردن دختران را نیز به شدت محکوم کرده است. «إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»^۲.

اسلام همواره بر حفظ جایگاه زن و احترام به مقام مادر و همسر، تأکید فراوان نموده است. پیشوایان دینی نیز به نقش و جایگاه زن اشاره کرده و رعایت حقوق آنان را امری لازم شمرده‌اند، لذا رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»^۳ بهشت زیر پای مادران است. و فرمودند: «كُلَّمَا أَزْدَادَ الْعَبْدُ إِيْمَانًا أَزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ»^۴ هر چه ایمان بندگان خدا فزونی یابد، دوستی و محبت آنان به زنان نیز فزونی می یابد و نیز فرمود: «مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَكِيمٌ»^۵ گرامی نمی دارند زنان را مگر انسان‌های کریم و بزرگوار و به آنان اهانت نمی کنند و سبک

^۱. همان، ص ۷۱.

^۲. تکویر، ۹ و ۸.

^۳. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۶۷۵.

^۴. نوری، مستدرک الوسلی، ج ۱۴، ص ۱۵۷.

^۵. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۷۱.

نمی شمارند مگر انسان های پست و فرومایه. همچنین امام صادق (ع) فرمود: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ»^۱ از جمله اخلاق پیامبران، دوست داشتن زنان بوده است. امام علی (ع) «وَلَا تُمَلِّكَ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ، لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۲ زنان را گل های خوشبوی عالم آفرینش معرفی می کند.

سیره پیامبر اکرم (ص) نیز حکایت از احترام به حقوق زنان و پاسداشت حرمت آنان دارد. در حدیثی آمده است که به پیامبر خبر دادند خداوند به او دختری داده است. پیامبر نگاهی به صورت یارانش نمود، دید آثار ناخشنودی در چهره آنان نمایان گردید. آن حضرت فوراً فرمود: «ما لَكُمْ! رَيْحَانَةُ أَشْمُهَا، وَرِزْقُهَا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»^۳ این چه حالتی است که در شما می بینم! خداوند گلی خوشبو به من داده آن را می بویم، اگر غم روزی او را می خورید، روزیش با خداست.

پیامبر (ص) فرمود: «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً، فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ، كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ، وَ لَيْسَ بِدَأْبِ الْإِنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ؛ فَإِنَّهُ مَنْ فَرَّحَ أَنْثَى فَكَأَنَّمَا عَتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، وَ مَنْ أَقْرَبَ بَعِينَ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَ مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ»^۴ هر کس وارد بازار شود و تحفه و هدیه ای برای خانواده خود بخرد چون کسی است که صدقه ای برای گروهی نیازمند برده باشد و اگر خواست آنچه را که به خانه برده بین آنان تقسیم کند از دختران شروع کند، زیرا هر که دختر خود را خوشحال کند همانند آن است که بنده ای را از اولاد اسماعیل آزاد کرده باشد و هر کس سبب شادمانی فرزندی شود مثل آن است که از ترس خدا گریسته باشد و هر کس از خوف خدا اشک بریزد، خداوند او را به بهشت های پر نعمت خویش داخل می گرداند.

از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) روایت شده است که فرمود: هر کس دو خواهر یا دو دختر داشته باشد و به آنان احسان کند، من و او در بهشت همانند این دو در کنار هم خواهیم بود و به دو

^۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۲۱.

^۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

^۳. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۵.

^۴. صدوق، ثواب الأعمال، ص ۲۳۹؛ ح ۱؛ صدوق، الأمالی، ص ۶۷۲؛ ح ۹۰۴؛ کلاما عن ابن عباس؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۱۴؛ باب ۳ من ابواب النفقات، ح ۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۶۹.

انگشت سبابه و انگشت میانی خود اشاره کرد.^۱

این عمل پیامبر اکرم بیان دیدگاه اسلام نسبت به زن می باشد. علاوه بر آن قصد برچیدن ظلم و نادیده گرفتن حقوق آنان را آموزش می دهد.

پیامبر اکرم فرمود: «مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَأَدَّبَهَا وَ أَحْسَنَ أَدَبَهَا ، وَ عَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا ؛ فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا مِنْ نِعَمِ اللَّهِ الَّتِي أَسْبَغَ عَلَيْهَ ، كَانَتْ لَهُ مَنَعَةٌ وَ سِتْرٌ مِنَ النَّارِ^۲» هر که دختری داشته باشد و خوب تربیتش کند و او را به خوبی دانش بیاموزد و از نعمتهایی که خداوند به او عطا کرده به وفور بهره مندش سازد، آن دختر، سپر و پوشش پدر در برابر آتش دوزخ خواهد بود.

– ارزش تربیت دختر

ابن مسعود از پیامبر اکرم نقل میکند که فرمود: « مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَأَدَّبَهَا وَ أَحْسَنَ أَدَبَهَا ، وَ عَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا ، فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا مِنْ نِعَمِ اللَّهِ الَّتِي أَسْبَغَ عَلَيْهَ كَانَتْ لَهُ مَنَعَةٌ وَ سِتْرٌ مِنَ النَّارِ^۳» هر که دختری داشت و به بهترین صورت او را تربیت و تعلیم کرد و همچنین از نعمتهایی که خداوند بر او ارزانی داشته بهره مندش ساخت در برابر آتش جهنم برای خود سپری فراهم ساخته است.

• دوستدار همسر، همراه دوستدار اهل بیت علیهم السلام

امام صادق (ع) می فرماید: «كُلُّ مَنْ اشْتَدَّ لَنَا حُبًّا اشْتَدَّ لِلنِّسَاءِ حُبًّا^۴» هر کس بیشتر دوستدار ما (خاندان عصمت و طهارت) باشد، به زن ها (همسرش) نیز بیشتر دوستی می کند.

– صفای زندگی

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسَنِ الصُّحْبَةِ لَهَا لِيَصْفُوَ عَيْشُكَ^۵» همیشه با همسرت مدارا کن، و با او به نیکی همنشینی کن تا زندگیت باصفا شود. پیامبر عزیز (ص) می فرماید: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ، لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا^۶» این گفتار مرد به همسرش که من تو را دوست دارم ، هرگز از قلب زن بیرون نمی رود.

^۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۸.

^۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۲، ح. ۴۵۳۹۱.

^۳. همان، کنز العمال: ۴۵۳۹۱.

^۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۸.

^۵. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸.

^۶. حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰.

- از تکبر و خشونت پرهیز

پیامبر عزیز خدا (ص) می فرمایند: « خَيْرُ الرَّجَالِ مِنْ أُمَّتِي الَّذِينَ لَا يَتَطَاوَلُونَ عَلَى أَهْلِيهِمْ وَ يَحْجُونَهُ عَلَيْهِمْ وَلَا يَظْلِمُونَهُمْ ^۱ » بهترین مردان امت من، آن کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترحم و نوازش کنند و به آنان آزار نرسانند.

- پیامبر اسلام (ص) می فرمایند: « جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اِغْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا ^۲ » نشستن مرد در کنار خانواده اش، نزد خدای بزرگ دوست داشتنی تر از اعتکاف (و نشستن) در این مسجد من است.

- « إِنَّ الرَّجُلَ لَيُؤْجَرُ فِي رَفْعِ اللَّقْمَةِ إِلَى فِي امْرَأَتِهِ ^۳ » مرد در برابر لقمه ای که در دهان زنش می گذارد پاداش می برد.

- محبت دوطرفه

- امام رضا (ع) می فرمایند: « وَ اعْلَمُ أَنَّ النِّسَاءَ شَتَّى ، فَمِنْهُنَّ الْغَنِيمَةُ وَ الْغَرَامَةُ وَ هِيَ الْمُتَحَبِّةُ لِزَوْجِهَا وَ الْعَاشِقَةُ لَهُ وَ مِنْهُنَّ الْهَلَالُ إِذَا تَجَلَّى ، وَ مِنْهُنَّ الظَّلَامُ الْحَنَدِيسُ الْمُقَطَّبَةُ ، فَمَنْ ظَفَرَ بِصَالِحَتَيْنِ يَسْعُدُ وَ مَنْ وَقَعَ فِي صَالِحَتَيْنِ فَقَدْ ابْتَلَى وَ لَيْسَ لَهُ اِنْتِقَامٌ. ^۴ » بدان که زنان گوناگونند، برخی از آنان دستاوردی گرانبها و تاوان [رنج های آدمی] هستند و این زن کسی است که به شوهرش محبت می کند و عاشق اوست.

- رضایت و شفاعت

امام باقر (ع) می فرمایند: « لَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحُ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا ، وَ لَمَّا مَاتَتْ ^۵ » برای زن هیچ شفيعی نزد پروردگارش به اندازه رضایت شوهرش سودمندتر نیست.

- عطر مهر و محبت

پیامبر اسلام (ص) می فرمایند: « لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزِمَ بَيْتَهُ وَ تُوَدِّدَهُ وَ تُحِبَّهُ وَ تُشْفِقَهُ وَ تَجْتَنِبَ

^۱ . طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۶.

^۲ . محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۸۷.

^۳ . فیض کاشانی، محبه البيضاء، ج ۳، ص ۷۰.

^۴ . نوری، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

^۵ . قمی، تفسیر، ج ۱، ص ۵۶۱.

سَخَطُهُ وَتَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ وَتُوفِيَ بِعَهْدِهِ وَوَعْدُهُ^۱ «حق مرد بر زن این است که [زن] ملازم خانه او باشد، و به شوهرش دوستی و محبت و دلسوزی کند، و از خشم وی دوری گزیند، و آنچه را مورد رضایت اوست انجام دهد، و به پیمان و وعده وی وفادار باشد.

– سرانجام ناسپاسی

امام صادق (ع) می فرماید: «ایما امراه قَالَتْ لِزَوْجِهَا: مَا رَأَيْتُ قَطُّ مِنْ وَجْهٍ خَيْرًا فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهَا^۲ هر زنی به شوهرش بگوید: من از تو هرگز خیری ندیدم، [ثواب] کارش از بین می رود.

– لجبازی هرگز

پیامبر خدا (ص) می فرماید: «مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمُ الْوَلَدُ الْمُؤَاتِيَّةُ وَشَرُّهَا اللَّجُوجُ^۳ بهترین زنانان زنی است که با محبت، فرزندآور و سازگار باشد، و بدترین آنان زنی است که لجباز باشد.

– خشمگین کردن شوهر هرگز

پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «وَيْلٌ لِمَرْأَةٍ أَغْضَبَتْ زَوْجَهَا، وَطُوبَى لِمَرْأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا^۴ خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد.

• یک سانی همه در نظر پیامبر

برخورد گرم و صمیمی باعث نزدیک شدن دل‌ها و افزایش محبت می شود. بسیار اتفاق افتاده است که با یک احوالپرسی صمیمانه و اظهار محبت خالصانه باب ارتباط با دیگران گشوده شده و بسیاری از ذهنیت‌های منفی درباره برخی از واقعیات جامعه و معارف دینی اصلاح شده است. این مسئله در سیره رفتاری رسول گرامی (ص) بسیار برجسته و پررنگ است. امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «وقتی حضرت با کسی مصافحه می کرد، هیچ گاه اتفاق نیفتاد که حضرت دستش را از دست او جدا کند تا اینکه آن شخص دستش را بر می داشت و اگر کسی برای بیان حاجتی با او صحبت می کرد، حضرت (ص) هیچ گاه سخن او را قطع نمی کرد و از او جدا نمی شد تا آن شخص سخن را به پایان برد و از آن بزرگوار جدا شود^۵.

^۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

^۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

^۳. همان، ص ۱۵۵.

^۴. همان.

^۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

انس بن مالک می گوید: ده سال با رسول خدا(ص) بودم، عطری از او استشمام می کردم که بهتر از آن را سراغ ندارم. هرگاه کسی با حضرت ملاقات می کرد، وقت جدا شدن، حضرت همراه او بلند می شد و کسی نزد رسول خدا(ص) ننشست مگر اینکه آن حضرت وقت برخاستن با او برمی خاست و در وقت دست دادن تا وقتی فرد دستش را جدا نمی کرد، پیش قدم نمی شد و خلاصه برخورد وی چنان بود که هر کس فکر می کرد محبوب ترین فرد نزد آن بزرگوار است.^۱

تمام اقشار جامعه به نوعی از لطف و مهرورزی پیامبر اعظم(ص) برخوردار بودند و در این میان تکریم آن رهبر فرزانه نسبت به اصحاب از همه چشمگیرتر بود. سیره کریمانه ایشان با اصحاب باعث ایجاد ارتباط عاشقانه و وحدت فکری و اجتماعی می شد که همه خود را وابسته به این کانون عشق و ایثار و کرامت می دیدند و هیچ گاه پیامبر(ص) را از خود جدا نمی دانستند.

یکی از همسران پیامبر می گوید: فاطمه(س) در رفتار و گفتار و سیمای ظاهری شبیه ترین فرد به رسول خدا(ص) بود، ارتباط این پدر و فرزند آن چنان مستحکم بود که او هرگاه به دیدن پیامبر(ص) می آمد، پیامبر(ص) از جای خود برمی خاست و سرو دست دخترش را می بوسید و او را در جای خود می نشاند و هرگاه پیامبر(ص) به منزل فاطمه(س) می آمد، فاطمه از جایش برخاسته و پدر گرامی اش را می بوسید و آن بزرگوار را در جای خویش می نشاند.

«انس بن مالک» نقل می کند: هرگاه پیامبر یکی از اصحاب را سه روز نمی دید، درباره او سؤال می کرد، اگر آن فرد در شهر نبود، برایش دعا می کرد، اگر حضور داشت به دیدن او می رفت و اگر مریض بود از او عیادت می کرد.^۲

• بذل عاطفه به خانواده

پیامبر(ص) در خانواده نسبت به همسران خود، هیچگونه خشونتی بروز نمی داد و این برخلاف خلق و خوی مردم مکه بود. بدزبانی برخی از همسران خویش را تحمل می کرد تا آنجا که دیگران از این همه تحمل رنج می بردند .

او به حسن معاشرت با زنان توصیه و تأکید می کرد و می فرمود: همه مردم دارای خصلت های نیک و بد هستند، مرد نباید تنها جنبه های ناپسند همسر خویش را در نظر بگیرد و او را ترک کند.

^۱. همان، ص ۲۳۰.

^۲. همان، ج ۱۶، ص ۲۳۲.

رسول خدا(ص) با فرزندان خود فوق العاده عطف و مهربان بود و به آنها محبت می کرد. سیره تربیتی آن حضرت نشان می دهد که در طول زندگی، ارتباط عاطفی و کلامی با فرزندان داشت. یکی از همسران پیامبر می گوید: فاطمه(س) در رفتار و گفتار و سیمای ظاهری شبیه ترین فرد به رسول خدا(ص) بود، ارتباط این پدر و فرزند آنچنان مستحکم بود که او هرگاه به دیدن پیامبر(ص) می آمد، پیامبر(ص) از جای خود برمی خاست و سرو دست دخترش را می بوسید و او را در جای خود می نشاند و هرگاه پیامبر(ص) به منزل فاطمه(س) می آمد، فاطمه از جایش برخاسته و پدر گرامی اش را می بوسید و آن بزرگوار را در جای خویش می نشاند.^۱

• مهربانی به زنان

آن حضرت (ص) به رعایت حال دختران و نیکی به آنان تشویق نموده و می فرمودند: «مَنْ أُتْبِلَى بِشَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ»^۲ هر کس با بعضی از این دختران امتحان شود (صاحب دختر شود) و با ایشان به نیکویی رفتار کند، (دخترانش موجب) حجاب و مانع از آتش (برای او) می شوند.

آری، پیامبر اسلام(ص) در مورد حق همسر و اهمیت دادن به حق وی و رعایت حال وی بسیار توصیه نمودند و به مسلمانان دستور دادند که در این باره به همدیگر توصیه نمایند و فرمودند: «اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا»^۳ پس با زنان بخوبی رفتار کنید و سفارش مرا در مورد آنان، مد نظر داشته باشید.

پیامبر بهترین مثال مهربانی با خانواده اش بود، حتی وقتی که همسرش می خواست بر شتر سوار شود، آن حضرت در کنار شتر نشست و زانویش را بگونه ای قرار داد که همسرش صفیة پایش را بر آن گذاشت و بر روی شتر سوار شد. (همان، ۲۱۲۰)

هرگاه دخترش فاطمه به نزدش می آمد، دست فاطمه را می گرفت و می بوسید و او را در همان جایی که نشسته بود می نشاند. (همان، ح ۵۲۱۷)

^۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۳۳۳.

^۲. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۲۵۴.

^۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۶۲۸.

• مهربانی با دشمن

یکی از روش های مهم در اصلاح و تربیت دینی، جلب اعتماد مخاطبان است. مخاطب معمولاً زمانی به اعتماد می رسد که نشانه های صداقت گفتاری و رفتاری را در چهره و رفتار مری بخواند. استفاده از روش جلب اعتماد افراد در سیره عملی پیامبر (ص) مورد استفاده قرار گرفته است؛ زیرا آن حضرت مظهر صفات الهی است و اساس هدایت و تربیتش انسان دوستی است. به همین دلیل در برخورد با دیگران اصل را بر مهرورزی قرار داده و از خشونت و تندی تنها در مواقع استثنایی بهره گرفته است.

- آنگاه که یاران پیامبر گرامی در برابر رفتار نادرست یک عرب بادیه نشین با او بگونه ای خشونت آمیز برخورد کردند، پیامبر آنان را از این کار بر حذر داشت و با دادن عطای بیشتری به عرب بادیه نشین او را راضی کرد و خطاب به اصحاب خویش فرمود: «مثل من و این عرب بادیه نشین مانند کسی است که شترش فرار کرده و افرادی برای کمک به او شتر را دنبال می کردند تا مهارش کنند، ولی این کار آنان باعث می شد که شتر رم کرده بیشتر فرار کند. از این رو صاحب شتر فریاد زد آن را رها کنید! من خودم با او بهتر راه خواهم آمد. سپس دسته علفی را به دست گرفت و جلوی شتر رفت و آن را مهار کرد. سپس پیامبر (ص) افزود: اگر من شما را رها می کردم او را می کشتید.»^۱

- مالک بن عوف نصری از سرسخت ترین دشمنان پیامبر (ص) بود. او در سال هشتم هجری با تحریک قبیله های «ثقیف» و «هوازن» آتش جنگ حنین را برافروخته و دولت نوپای رسول گرامی را گرفتار جنگی دیگر کرد، اما به فضل الهی لشکریان اسلام در آن جنگ پیروز شدند. مالک بن عوف - عامل اصلی این جنگ - از ترس جان خود به طائف پناهنده شد، اما وقتی در مورد پیامبر (ص) و اندیشه های الهی و انسانی او قدری فکر کرد، شیفته مهر و محبت رسول خدا (ص) شد. به همین جهت امان خواسته و به مدینه آمد و نزد رسول خدا (ص) مسلمان شد. پیامبر (ص) خانواده او را - که اسیر شده بود - آزاد کرد. مالک بن عوف در اثر این همه محبت نبوی از نفوذ خود در منطقه طائف بهره گرفت و تمام هستی اش را در راه گسترش اسلام به کار گرفت. او

۱. حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر، ج ۱، ص ۸۵

دل‌باختگی خود به رسول خدا(ص) را این گونه اظهار می‌کرد: «من در میان همه مردم دنیا کسی مانند محمد را نه دیده‌ام و نه شنیده‌ام»^۱

• ملایمت در عین صلابت

در مسایل فردی و شخصی آنچه مربوط به شخص خودش بود، نرم خو و ملایم بود. گذشت‌های بزرگ و تاریخی‌اش یکی از علل موفقیت در رسالت الهی او بود، اما در مسایل اصولی و عمومی، آنجا که حریم قانون بود، سختی و صلابت نشان می‌داد.

در فتح مکه کسانی که بدترین ستم‌ها و جسارت‌ها و دشمنی‌ها را در حق آن حضرت و یارانش کرده بودند، در هاله‌ای از رعب و وحشت گرفتار شدند و منتظر انتقام و عکس‌العمل متقابل پیامبر(ص) بودند.

اما آن حضرت فرمود: من آنچه را یوسف(ع) در مورد برادران ستمگر خود انجام داد، همان می‌کنم و همانند او می‌گویم: «لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ»^۲ امروز ملامت و سرزنشی بر شما نیست. هنگامی که آن رهبر مهربان، مردم هراسناک و نگران را آرام نمود، اضافه کرد که امروز روز نبرد و انتقام نیست، بلکه روز رحمت و محبت است و من از تمام جنایات و گناهان شما گذشتم. آنگاه جمله معروفش را فرمود: «اذهبوا فانتم الطلقاء»^۳ به دنبال زندگی تان بروید که همه شما آزاد هستید.

تمامی آنان گویا دوباره متولد شدند؛ بنابراین نفس راحتی کشیدند و به غیر از افراد معدودی، همگی محبت و عشق رسول خدا(ص) در اعماق وجودشان نفوذ کرد و مسلمان شدند.

در همان فتح مکه زنی از قبیله «بنی مخزوم» مرتکب سرقت شد و از نظر قضایی جرمش محرز گردید، خویشاوندان آن زن که هنوز رسوبات نظام طبقاتی دوران جاهلیت در مغزشان مانده بود، اجرای مجازات (حد سرقت) را نسبت به آن زن، ننگ خانواده اشرافی خود می‌دانستند؛ به همین دلیل برای متوقف ساختن اجرای حد سرقت به تلاش افتادند و به همین منظور «اسامه بن زید» را که مانند پدرش نزد پیامبر(ص) محبوبیت داشت وادار به شفاعت کردند، اما همینکه اسامه زبان به

^۱ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۴، ص ۲۹۰.

^۲ یوسف، ۹۲.

^۳ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۳۲.

شفاعت گشود، آن حضرت خشمگین شد و فرمود: چه جای شفاعت است؟ مگر می توان حدود و قانون را بلا اجرا گذاشت؟ و فوراً دستور مجازات صادر کرد .

اسامه متوجه لغزش خود شد و عذرخواهی کرد. پیامبر(ص) برای اینکه فکر تبعیض در اجرای قانون را از ذهن مردم بیرون نماید، عصر همان روز به ایراد خطبه ای پرداخت و به مسئله اجرای قانون الهی اشاره نمود و فرمود: «اقوام و ملل پیشین دچار سقوط و انقراض شدند؛ زیرا در اجرای قانون تبعیض روا می داشتند. هرگاه یکی از طبقات بالا مرتکب جرم می شد، او را از مجازات معاف می کردند و اگر کسی از زیردستان به جرم مشابه آن مبادرت می ورزید، او را مجازات می کردند، قسم به خدایی که جانم در دست اوست! در اجرای قانون درباره هیچ کس کوتاهی و سستی نمی کنم. اگر چه مجرم از نزدیکان من باشد.»^۱

نتیجه گیری

در جهان کنونی، اخلاقیات و زندگی اخلاقی در اثر متزلزل شدن نظام های ارزشی و سست شدن مبانی مقدسات مورد تهدید قرار گرفته ، باثبات ترین عقاید دینی از وی گرفته شده، اندیشه های مکانیکی و عاریتی جایگزین آن گردیده و انسان با آشفتگی های گوناگون درونی و بیرونی مواجه شده که مهم تر از همه بحران معرفت دینی است.

به همین سبب، انسان امروز در رویارویی با نعمت های دنیوی راه افراط و تفریط را پیشه خود ساخته و حداکثر تلاش خود را در جهت جمع آوری مادیات دنیوی، صرف کرده و تقوا، ساده زیستی، قناعت، صداقت و... را در زندگی خود کم رنگ نموده است. توجه در ابعاد مادی زندگی غالب بر توجه در عناصر معنویات شده است.

انبیاء الهی، به خصوص؛ رسول گرامی اسلام (ص)، بهترین شیوه های تربیتی را فرا روی پیروان خود قرار داده است. زندگی متعالی آنان می تواند به عنوان موفق ترین الگوهای تربیتی در طول تاریخ بشر مطرح شود.

با بررسی که انجام شد، مشخص گردید، الگوی اخلاقی- تربیتی پیامبر اکرم (ص)، به دلیل وجود دو شاخصه؛ یکی در شخص پیامبر اکرم (ص)؛ و دیگری در شریعت و آیینی که آن

۱. بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۲۶۹.

حضرت از سوی خداوند برای هدایت بشریت آورده است، مناسب‌ترین و نیکوترین الگوی تربیتی است.

مطابق بررسی‌های انجام یافته در این مقاله، زندگانی گهربار پیامبر اکرم (ص)، سرشار از معنویت، صفا، عاطفه و مهرورزی بوده است. در بعد اخلاق و آداب زندگانی فردی-معنوی؛ آن حضرت نمونه‌ی کامل انسانی از لحاظ ایمان، تقوی، پرهیزکاری، قناعت، نیکوکاری و نیک خلقی، جوانمردی و مردانگی، عنصر گذشت و فداکاری و... است.

در بعد اخلاق و آداب زندگانی اجتماعی؛ آن پیامبر بزرگوار، الگوی مردم‌داری و مردم‌سالاری، دستگیر نیازمندان، مرهم درد دردمندان و بی‌کسان، پرچم‌دار حقوق بشر در جامعه و... است.

در این راستا، ما به عنوان رهروان راه رسول گرامی اسلام (ص)، تنها به استفاده از کتب و نوشته‌ها بسنده نکنیم. باید در کاربردی ساختن این فضیلت‌های اخلاقی در خود و همچنین شیوع دادن آن در سطح جامعه از طریق تدارک آموزش‌های لازم از طریق؛ آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها، کانون‌های فرهنگی و آموزشی، آموزش از طریق رسانه‌های دسته‌جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات و... تلاش کنیم تا معارف و سیره اخلاق و آداب نبوی در سطح جامعه فراگیر گردد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بی تا، داراحیاء التراث العربیه، بیروت.
- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۷۶ق.
- ابن فارس، مقاییس اللغة، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: نشر بیدار، ۱۳۷۱.
- ابن منظور، مصری، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، طبعه الاولی، ۱۴۱۶ق.
- اصفهانی، عبدالله بن محمد بن جعفر اخلاق النبی و آدابه، بیروت: دارالعلم للنشر والتوزیع، ۱۹۹۸ م.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، مترج محسن زاده، آل علی، قم، ۱۳۸۲.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار ابن کثیر الیمامه، ۱۴۰۷ ق
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، قم، بی تا.
- بهشتی، احمد، تربیت از دیدگاه اسلامی، تهران، پیام، بی تا،
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، ترجمه نهج الفصاحه، تهران: انتشارات جاویدان.
- جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیات، قم نشر اسراء، ۱۳۹۱،
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، چاپ احمد عبدالغفور عطار، قاهره ۱۳۷۶ق، چاپ افست، بیروت ۱۴۰۷ق.
- حاکم نیشابوری محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، و بذیلہ التلخیص للحافظ الذهبی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن الحسن وسایل الشیعه تحقیق: مؤسسه آل البیت، قم: انتشارات مؤسسه آل البیت، چاپ چهارم، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (ع)، پژوهشگاه حوزه ودانشگاه، ۱۳۹۰.
- حلی، ابن فهد احمد بن محمد، عده الداعی منجیح الساعی، تصحیح موحدی قمی، دارالکتاب الاسلامی، بیروت ۱۳۶۸،
- خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم ۱۴۰۹ق.
- خوانساری، آقا جمال الدین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، اول، تهران، دانشگاه

تهران، ۱۳۶۶ ش

دشتی، علی، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات مکتب اسلامی، ۱۳۸۲.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.

راغب اصفهانی، حسین معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: ندیم مرعشی، بیروت: دارالکتب العربی، طبعه الاولی، ۱۴۱۴ ق.

زبیدی، محمد مرتضی، بی تا، تاج العروس، دار مکتبه الحیاه، بیروت.

ستوده، امیر رضا، پابه پای آفتاب، نشر پنجره، چاپ ۷۵، ۱۳۸۸.

سجستانی، ابن الاشعث، سنن ابی داوود، تحقیق سعید محمد اللحام، دار الفکر، چاپ اول، ۱۹۹۰.

شریفی، احمد حسین، آیین زندگی، دفتر نشر معارف، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ۱۳۸۴.

شکوهی، غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۲.

صدوق، محمد الامالی، مشهد: آستان قدس رضوی و بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۴۰۸ ق.

صدوق، محمد ثواب الاعمال، قم: موسسه نشر اسلامی، (۱۴۰۵ ق)،

صدوق، محمد خصال، ترجمه سید احمد فهری، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۳ ق.

صدوق، محمد معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، (۱۳۶۱)،

صدوق، محمد، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

طبرسی رضی الدین حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، یک جلد، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اعلمی للمطبوعات بیروت، طبع اول، ۱۴۱۵ ق.

طریحی نجفی، فخر الدین حسین مجمع البحرین، قم، المکتبه المرتضویه، الطبعه الاولی، ۱۳۹۶ ق. طوسی، محمد امالی، قم: انتشارات دارالثقافه، (۱۴۱۴ ق)،

طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت [بی تا].

- عسکری، سید مرتضی، احادیث أم المؤمنین عائشه، نهضت، تهران (۱۴۱۸).
- عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، الحاوی لکتاب ابی هلال العسکری و جزءاً من کتاب السید نورالدین الجزائری، قم ۱۴۱۲ق.
- علی محمد حسین، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی، ترجمه محمد راد منش، انجام کتاب.
- غزالی محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶
- فتال نیشابوری، محمد روضه الواعظین، قم: انتشارات رضی. ۱۴۲۰ ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن المحجبه البيضاء، قم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم (۱۳۷۸).
- فیومی، احمد بن محمد مقری، المصباح المنیر، منشورات دارالرضی، اول، قم، بی تا.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قران، دارالکتب الاسلامیه، تهران. ۱۳۷۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب اصول کافی، تهران: انتشارات مکتب اسلامی، ۱۳۸۲.
- متقی هندی، علی کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله. ۱۴۰۹ ق.
- مجلسی، محمدباقر بحار الانوار، بیروت: دار احیا التراث العربی الثالثه، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، موسسه ی فرهنگی دار الحدیث، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی؛ حکمت عملی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجم. ۱۳۷۸.
- مناوی، عبدالرؤوف فیض الغدیر، مصر: المکتبه التجاریه الکبری. (۱۴۰۵ ق)،
- موسوی لاری، مجتبی رسالت اخلاق در تکامل انسان، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی. (۱۳۸۵)،
- نوری، حسین مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، آل البيت الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم. (۱۴۰۸ ق)،
- هیثمی، نور الدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۱ق.